



بررسی عوامل تاثیرگذار آموزش برخورد های انسانی در درس مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی

فاطمه عرب بافرانی^۱، مهدیه محققى نیا^۲، لیلحشمتی فر^۳

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، مرکز امام خمینی (ره) کاشان.

fa.arab1378@gmail.com

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، مرکز امام خمینی (ره) کاشان.

mohagheghiniya@gmail.com

۳. دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه فرهنگیان.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل تاثیرگذار آموزش برخوردهای انسانی در درس مطالعات اجتماعی پایه چهارم دبستان بوده است. روش این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. برای دستیابی به هدف مقاله، متن درس، تصاویر و فعالیت‌ها بررسی شدند و برای تحلیل داده‌ها از روش کیفی کدگذاری و مضمون‌یابی استفاده شد که نتیجه آن دست یافتن به ۵۱ کد باز متن، ۱۴ کد باز تصاویر و ۱۷ کد باز فعالیت‌ها بود و همچنین ۱۳ کدمحوری متن، ۴ کدمحوری تصاویر و ۷ کدمحوری فعالیت‌ها بود و نهایتاً با دسته‌بندی مقوله‌ها و کشف روابط بین آنها، تعداد ۵ کدگزینشی متن، ۲ کدگزینشی تصاویر و ۳ کدگزینشی فعالیت‌ها به دست آمد. یافته‌ها نشان می‌دهد رعایت مقررات از تحلیل متن در کتاب مطالعات اجتماعی چهارم از سایر بخش‌ها بیشتر در کتاب آورده شده و مورد توجه قرار گرفته و بخش همدلی از تحلیل متن و بخش برخورد عاطفی از تحلیل فعالیت‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. کتاب مطالعات اجتماعی چهارم دبستان رعایت قوانین و مقررات را بیشتر از عوامل دیگر تأثیرگذار آموزش برخوردهای انسانی مورد توجه و توضیح قرار داده است اگرچه در جامعه ضمن مهم بودن رعایت قوانین و مقررات گاهی اوقات لازم است بیشتر از همدلی و مشارکت و همکاری نسبت به رعایت همیشگی قوانین استفاده کرد، اگر هدف عامل تاثیرگذار در آموزش برخوردهای انسانی باشد فقط با بیشتر بودن مطالب در مورد رعایت مقررات نمی‌توان به خوبی برخورد انسانی را به دانش‌آموزان آموزش داد، چه بسا در بسیاری از جاها قانون در مورد موضوعی، حکمی دهد و آن حکم و دستور با برخورد انسانی در همان موضوع مغایرت داشته باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تصاویری و یادداستان‌هایی در رابطه با موضوع همدلی و مشورت در کتاب آورده شود.

کلمات کلیدی: برخوردهای انسانی، همدلی، کتاب مطالعات اجتماعی، دوره ابتدایی

مقدمه

اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف کرده‌اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود بروز ظاهری پیدا می‌کند و بدین سبب گفته می‌شود که اخلاق را از راه آثارش می‌توان تعریف کرد. استمرار یک نوع رفتار خاص دلیل بر آن است که این رفتار یک ریشه درونی و باطنی در عمق جان و روح فرد یافته است که آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند. دامنه اخلاق را در حد رفتارهای فردی تلقی می‌کنند اما رفتارهای فردی وقتی که در سطح جامعه یا نهادهای اجتماعی تسری پیدا می‌کند و شیوع می‌یابد به نوعی به اخلاق جمعی تبدیل می‌شود که ریشه در فرهنگ جامعه می‌دواند و خود نوعی وجه غالب می‌یابد که جامعه را با آن می‌توان شناخت (قراملکی، ۱۳۷۸، به نقل از تولایی، ۱۳۸۸). آموزش دوره ابتدایی در حکم مبنای اصل همه آموزش‌ها مطرح است و در واقع سنگ زیربنای نظام آموزشی به شمار می‌آید؛ از این رو توجه به این دوره از اهمیت ویژه برخوردار است. یکی از دروسی که به طور مستقیم به آموزش مهارت‌های اجتماعی ارتباط دارد، درس مطالعات اجتماعی است (جهرمی، خادمی، محمدی، منصور، ۱۳۹۴). اجتماعی کردن صحیح کودکان و آموزش مهارت‌های لازم به آنان، همواره یکی از اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌آید، زیرا رشد و اعتلای اجتماعی در سایه اجتماعی شدن به دست می‌آید و موجب سازگاری و ایجاد ارتباط سالم و صحیح کودکان و نوجوانان با اطرافیان می‌شود؛ و از این رهگذر آنان خواهند توانست توانایی‌های بالقوه